

به: میشل باشله، کُمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل  
جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران  
لی ٹومی، نایب رئیس کارگروه بازداشت خودسرانه،  
لوسیانو هازان، سخنگوی کارگروه ناپدیدشدگان قهری یا غیر اختیاری،  
آگنس کالامارد، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی، شتاب‌زده و خودسرانه،  
دیوید کای، گزارشگر ویژه پیشبرد و حمایت از آزادی عقیده و بیان،  
کلمان نیالتسوسی وول، گزارشگر ویژه حق آزادی تجمع مسالمت آمیز و آزادی تشکل،  
مایکل فورست، گزارشگر ویژه وضعیت مدافعان حقوق بشر،  
دیگو گارسیا سایان، گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا،  
نیلس ملزر، گزارشگر ویژه شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیر کننده

موضوع: درخواست پدر داغ‌دیده یک قربانی از سازمان ملل متحد برای رسیدگی جدی‌تر به خونین‌ترین سرکوب اخیر  
اعتراضات خیابانی توسط دولت جمهوری اسلامی: به افشای حقیقت، رساندن صدای قربانیان، و فشار برای  
پاسخگویی در برابر تخلفات کمک کنید

کُمیسر عالی و کارشناسان ارجمند سازمان ملل:

این نامه را برای سپاسگزاری از سوی خانواده داغدارم و دیگر خانواده‌های داغدار بابت توجهی که تاکنون به سرکوب خونین  
اعتراضات گسترده خیابانی آبان ۱۳۹۸ از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران داشتید می‌نویسم و برای درخواست اقدامی  
نیرومندتر.

پس ۲۷ ساله عزیزم، پویا بختیاری، در شامگاه ۲۵ آبان ۱۳۹۸ (۱۶ نوامبر ۲۰۱۹) تنها چند دقیقه پس از پیوستن به صف  
هزاران معترض در خیابان‌های کرج - شهری با حدود ۱ و نیم میلیون نفر جمعیت در غرب پایتخت، تهران- بر اثر شلیک  
گلوله به سر کشته شد. وظیفه وجدانی ما بازماندگان است که جویای یافتن تمام حقایق مربوط به مرگ پویای عزیزمان باشیم  
تا واقعیات آشکار و دستوردهندگان و انجام دهندگان این جنایت شناخته شوند. اما متأسفانه ما در معرض فشارها و تهدیدهای  
نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و قوه قضائیه قرار گرفته‌ایم. من شخصا از اینکه برای ساکت کردن ما به هر کاری دست بزنند  
براستی نگرانم.

پس از تحمل اقدامات تهدیدآمیز و تلافی جویانه از سوی دولت برای جلوگیری از تلاش‌های ما در راستای اطلاع‌رسانی و  
دادخواهی، اینکه واکنش دولت اسلامی در ایران نسبت به ابراز نگرانی و پرسشگری‌های چندباره شما نیز پاسخی جز سخنان  
ناراست، انکارکننده، و توهین‌آمیز نبوده است برای من پاشیدن نمک به زخم است. اما سازمان ملل می‌تواند همچنان برای  
قربانیان و خانواده‌های آنان که خواهان روشن کردن حقایق و دستیابی به عدالت هستند کمک بزرگی باشد چنانچه، اگر بخواهد،  
با ایجاد یک کمیسیون تحقیق، یا مکانیزمی مشابه آن، امکانی فراهم کند برای تحقیق همه سویه و ژرف تر این کشتارها و ثبت  
شواهد و مدارک آن در راستای محاکمه کیفری آتی مجرمین.

پویا بختیاری مهندس برق بود و کارگاه پردازش پسته خانوادگی ما را مدیریت می‌کرد. او عاشق شعر، موسیقی کلاسیک،  
تاریخ ایران و خوشنویسی فارسی بود. به حفاظت از محیط زیست بسیار اهمیت می‌داد و به همین سبب نیز گیاهخوار شده  
بود. گنشگر سیاسی نبود ولی جوانی بود با وجدان اجتماعی بالا و بسیار دلسوز و مسئول. کلیپ‌های کوتاه ویدیویی که در  
تلفن همراه او ضبط شده نشان می‌دهند که آن روز در مسیر رانندگی از کار به خانه متوجه اعتراضات شده بود و کمی  
دیرتر به همراه مادر و خواهرش به صورت خودجوش برای رساندن صدای اعتراضش نسبت به افزایش ناگهانی قیمت  
بنزین، مورد دیگری از کارنامه دور و دراز این حکومت در سوء مدیریت، فساد و سرکوب، به تظاهرکنندگان پیوسته است.

پویا در آغوش مادرش در راه بیمارستان جان داد. فیلم یک دقیقه‌ای که توانستیم در بیمارستان فقط از ناحیه سر پیکرش ضبط  
کنیم جای حداقل یک گلوله را نشان می‌دهد. پس از تایید مرگ از سوی بیمارستان، ما بی‌درنگ و ادار شدید در مقابل عدم  
اجازه دادستانی کرج برای تحویل گرفتن پیکر پویا و خاکسپاری توسط خانواده با تمام نیرو ایستادگی کنیم. به گفته معاون  
دادستان کرج، علی صمدی، این ممانعت بنا بر دستور وزارت کشور بوده است که همه معترضین کشته شده کرج -- ۱۴۴ تن

همانگونه که در پزشک قانونی کرج به من گفته شد-- بایستی مستقیماً به تهران برده و در آنجا به خاک سپرده شوند. سپس ما وادار شدیم در برابر سرپرستان بیمارستان که به آنها دستور داده شده بود علت واقعی مرگ معترضان را در جواز دفن آنها ننویسند پافشاری کنیم تا سرانجام پیکر پویا را به پزشکی قانونی منتقل کنند. هر چند فردای آن روز که به پزشکی قانونی مراجعه کردیم "علت فوت" را در جواز دفن پویا از "اصابت جسم سخت" به "متلاشی شدن جمجمه/ اصابت گلوله" تغییر داده بودند، اما هیچ اطلاعاتی مبنی بر انجام گرفتن کالبدشکافی به ما ندادند. سرانجام پس از دو روز تقلاً توانستیم پیکر پویا را در ۲۸ آبان زیر کنترل شدید نیروهای امنیتی در آرامستان بهشت سکینه کرج به خاک بسپاریم .

از آن تاریخ نیز، بارها از طریق تلفن و یا احضار به ستاد خبری وزارت اطلاعات مورد تهدید قرار گرفته‌ایم. بنا بر آیین سوگواری در ایران، روز چهلم مرگ عزیزان روز بسیار مهمی است. برای بزرگداشت چهلمین روز درگذشت پویا، ما از مردم دعوت کردیم در محل مزار پویا در آرامستان بهشت سکینه به ما بپیوندند. پس از این دعوت من و مادر پویا سه بار به ستاد خبری و دادستانی کرج احضار شدیم تا با هشدار و تهدید آن را پس بگیریم. دو روز قبل از برگزاری مراسم نیز نزدیک ساعت یک بامداد ۳ دی بیش از پنجاه مامور لباس شخصی به محل اقامت ما هجوم آوردند. تک تک اتاق‌ها را برای تفتیش بهم ریختند. هر عکس، برگ کاغذ، کتاب، کامپیوتر و تلفن همراهی را که دیدند با خود بردند. همگی را، از جمله من، مادر پویا، خواهر و همسر خواهرش، دو عمو و حتا پسر عموی ۱۱ ساله اش را با دستبند، چشم بند و در ماشین‌های جداگانه به زندان رجایی کرج شهر بردند و از دو روز تا یک ماه در بازداشت نگه داشتند. جزئیات یک ماه بازداشت در انفرادی، آزادی موقت پیش-از-محاکمه، و اتهامات "امنیتی" در مورد خودم را در شکایتنامه‌ای جداگانه خطاب به کارگروه بازداشت خودسرانه سازمان ملل شرح داده‌ام.

طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران، تحقیق در مورد مرگ با سلاح گرم وظیفه دادستان است و انجام کالبدشکافی و ثبت نتایج آن که شامل یافته‌های کارشناسان اسلحه و مهمات هم می‌شود رکن اصلی تحقیق برای تشخیص شرایط این گونه مرگ‌هاست. اما در مورد پویا دادستانی کرج با جلوگیری از انجام کالبدشکافی واقعی، درست برخلاف این وظیفه قانونی رفتار کرد. هم اکنون ویدیوهایی که نیروهای امنیتی را در حال شلیک کردن به سر و اندام‌های حیاتی معترضین غیرمسلح نشان می‌دهند از طریق اینترنت در سراسر دنیا در دید همگان است. اِصَالَت و راست بودن هیچ یک از آنها تاکنون زیر پرسش نرفته است. اما مقامات ایران درباره چگونه کشته شدن دیگر معترضین نیز تا امروز هیچ نتیجه‌ای که از یک تحقیق واقعی بدست آمده باشد منتشر نکرده‌اند. آمار کشته‌شدگان را نیز همچنان مخفی نگاه داشته‌اند. این در حالی است که آمارهای غیررسمی که تا کنون گفته شده را همگی مردود اعلام کرده‌اند، از جمله آمار "دست کم ۳۰۴ تن" که سازمان عفو بین الملل گزارش کرده است و آمار "حدود ۱/۵۰۰ تن" که گفته شده سه تن از مقامات وزارت کشور به خبرگزاری رویترز داده‌اند.

در پی کشتار معترضین، کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل و چندین گزارشگر ویژه این سازمان که مخاطب این نامه هستند بارها خطاب به دولت جمهوری اسلامی ایران نگرانی شدید خود را ابراز کرده‌اند و از دولت خواسته‌اند که در مورد همه تخلفات صورت گرفته، تحقیقات سریع، مستقل و بی‌طرفانه انجام دهند. این خواسته آخرین بار در ۶ مارس ۲۰۲۰ در ۴۳امین نشست شورای حقوق بشر از سوی آقای جاوید رحمان، گزارشگر ویژه در زمینه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، تکرار شد.

مکاتبات ارسال شده به دولت از سوی گزارشگران ویژه به آمار تاکنون رسماً تأیید نشده دست کم ۳۰۴ کشته اشاره دارند، از جمله به ۱۲ کودک، و دارای شواهد محکمی مبنی بر استفاده بیش از حد و غیرقانونی از نیروی گشنده توسط نیروهای امنیتی می‌باشند. گزارشگران ویژه به روشنی از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته‌اند که آمار کشته‌شدگان و مجروحین در جریان اعتراضات که ناشی از بکارگیری نیروی بیش از حد مجاز توسط نیروهای امنیتی بوده است را اعلام کنند و درباره نتایج تحقیق و تفحص قضایی یا هر تحقیق دیگری در این باره اطلاع‌رسانی کنند، از جمله درباره نتایج کالبدشکافی قربانیان.

تا به امروز، واکنش مقامات ایران در دو سند مُنتسب به "ستاد حقوق بشر" قوه قضاییه ایران مکتوب شده است. این اسناد که در ظاهر برای "پاسخگویی" به نگرانی‌ها و پرسش‌های کمیسیون حقوق بشر و گزارشگران ویژه سازمان ملل صادر شده‌اند،

در واقعیت امر تنها دارای سخنانی است که همه شواهد مبنی بر تخلفات صورت گرفته را بدون لحظه‌ای تامل مردود اعلام می‌کند (از جمله فیلم‌های شلیک عامدانه که بالاتر گفته شد)، بدون هیچ بررسی و پژوهشی هرگونه خلاف از سوی نیروهای امنیتی را یکسره انکار می‌نماید، و اتهامات بی پایه و اساسی را به معترضین نسبت می‌دهد، از جمله اتهام حمل "نارنجک"، "زل‌های آتش‌زا" و حتی "مُسلل" که باور آن برای هیچ آدم خردمندی ممکن نیست. بجای اطلاع‌رسانی و پاسخ دادن به پرسش‌های مشخص گزارشگران، قوه قضائیه ایران مقامات و کارشناسان سازمان ملل را متهم می‌کند به اعمال تَعَصُّب سیاسی، سوء استفاده از اختیارات، نادانی نسبت به مفاهیم حقوق بشری، و بازیچه قرار گرفتن از سوی آمریکا، برخی از دولتهای اروپایی و "برندگان منطقه‌ای آنها".

من از قطعنامه‌های بیشماری که شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت کارنامه آسفبار نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران صادر کرده‌اند آگاه هستم. می‌دانم که این قطعنامه‌ها همواره از سوی دولت ایران مردود و نادیده گرفته شده‌اند. می‌دانم که نگرانی‌ها و پرسش‌های بیشماری که در این سالها از سوی گزارشگران ویژه سازمان ملل برای روشن شدن حقایق این تخلفات طرح شده‌اند نیز در بیشتر موارد هیچ پاسخی نگرفته‌اند. اگر هم پاسخی فرستاده شده، محتوای آن جز انکار یکسره حقایق، ادعاهای ناراست، و متهم کردن گزارشگران ویژه به بی کفایتی و رفتارهای جانبدارانه نبوده است. یک مثال بارز دیگر پاسخی است که قوه قضائیه در مورد نگرانی‌ها و پرسش‌های گزارشگران ویژه درباره سرکوب خونین اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ ارسال کرده است. جای افسوس بسیار است که این مبادلات بی‌حاصل کمکی به مسئولیت‌پذیری و احراز عدالت برای قربانیان این تخلفات نکرده‌اند، و در این فاصله دولت ایران زیر پوشش پرسش-و-پاسخ و "گفتگوی" دیپلماتیک به تخلفاتش ادامه داده است.

به عنوان پدر داغ‌دیده یکی از معترضان که آن روزها بی‌رحمانه کشته شد، من امید خود را نسبت به دستگاه قضایی داخل کشور، زمانی سراسر از دست دادم که وادار شدم با تهدید و ارباب پسرم را پس از ممانعت دادستان از کالبدشکافی تحت کنترل شدید نیروهای امنیتی دفن کنم، به گونه‌ای که همچنان نمیدانم آیا گلوله یا گلوله‌هایی که موجب مرگش شدند هنوز در بدنش هستند یا نه. در نتیجه تحمل این داغ بزرگ، من اکنون شریک درد و درماندگی خانواده‌هایی هستم که در ۴۱ سال گذشته عزیزانشان توسط دولت جمهوری اسلامی ایران بی‌رحمانه کشته، زندانی، شکنجه و یا مورد بدرفتاری و تبعیض قرار گرفتند و همانند آنان آرزویم دستیابی به حقیقت و عدالت است. من امیدوارم که اکنون سازمان ملل گامی بردارد فراتر از "گفتگو"، که در واقعیت امر نیز هرگز گفتگو نبوده، و صدایی باشد برای قربانیان. کارنامه بلندبالا، گسترده، و وخیم نقض حقوق بشر در ایران قطعاً مکانیزم بین‌المللی تحقیقاتی متفاوتی را می‌طلبد که در آن امکانات کافی برای جمع آوری و ثبت شواهد و مدارک در جهت دادرسی کیفری آتی وجود داشته باشد.

یک قدم موثر اولیه در این زمینه می‌تواند تشکیل یک کمیسیون تحقیق، یا مکانیزمی مشابه آن، برای مستندسازی و گزارش هرچه جامع‌تر سرکوب خونین معترضان در آبان ۱۳۹۸ باشد-- که در تاریخ ۴۱-ساله این حکومت خونین‌ترین سرکوب خیابانی معترضین بوده است-- و ثبت شواهد حاصله برای دادرسی آتی در یک روند کیفری. من از هم اکنون آمادگی خود برای هر نوع همیاری و همکاری با چنین مکانیزمی را به آگاهی می‌رسانم، صرفنظر از هر گونه اقدام تلافی جویانه‌ای که امکان دارد از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران با آن روبرو شوم.

در نتیجه، با تمام وجود از شما درخواست می‌کنم که از ایجاد چنین مکانیزمی پشتیبانی کنید، از جمله از راه طرح آن، به عنوان یک موضوع فوری، در چهل و چهارمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که از ۲۶ خرداد تا ۳ تیر ۱۳۹۹ (۱۵ ژوئن تا ۳ ژوئیه ۲۰۲۰) برگزار می‌شود.

با احترام

منوچهر بختیاری

۲۹ مه ۲۰۲۰ (۹ خرداد ۱۳۹۹)

منابعی که به آنها ارجاع شده:

کُمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، بیانیه به تاریخ [۶ دسامبر ۲۰۱۹](#).

گزارشگران رویه‌های ویژه سازمان ملل، مکاتبات [۲۰ نوامبر](#) و [۱۸ دسامبر ۲۰۱۹](#).

سناد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، بیانیه [۵ دسامبر ۲۰۱۹](#) و مکاتبه [۱۸ فوریه ۲۰۲۰](#).

سازمان عفو بین الملل، گزارشات [۱۶ دسامبر ۲۰۱۹](#) و [۲۰ مه ۲۰۲۰](#).

خبرگزاری رویترز، [۲۳ دسامبر ۲۰۱۹](#).

فیلم [محل اصابت گلوله در ناحیه سر پویا بختیاری](#) که در بیمارستان گرفته شده